

واکاوی اثرات رسانه‌ای شدن پرونده‌های کیفری و مسئولیت پاسخگویی دولت

علی ایمانی^۱، علی آرمان^۲، علی زلفی^۳

چکیده

زمینه و هدف: رسانه‌های گروهی به عنوان متولیان اصلی اطلاع‌رسانی و آگاهی عمومی موظفند تا با رعایت مقررات مربوط به محدوده اختیارات و حدود خویش، رسالت خود را بدون تداخل در برنامه‌های عدالت کیفری به انجام رسانند. با این حال، گاهی مشاهده می‌شود که رسانه‌ها با تخطی از مقررات و خروج از محدوده وظایف خود، زمینه‌های اخلال در جریان رسیدگی کیفری را فراهم می‌آورند. این مقاله با هدف واکاوی جامع اثرات رسانه‌ای شدن پرونده‌های کیفری و تحلیل تقابلی‌های حقوقی ناشی از آن، به‌ویژه در بستر رسانه‌های مجازی غیررسمی، انجام شده است.

روش: این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای به بررسی اسناد و مدارک حقوقی، مواد قانونی، آرای قضایی و مقالات علمی-پژوهشی مرتبط با حقوق کیفری و رسانه پرداخته است. تحلیل داده‌ها بر اساس تطبیق مقررات موجود با واقعیت‌های فضای رسانه‌ای معاصر، به‌ویژه شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های مجازی انجام گرفته است.

یافته‌ها: نتایج بررسی‌ها حاکی از آن است که رسانه‌های گروهی به‌سان شمشیری دولبه عمل می‌نمایند و هم کارکرد مثبت دارند و هم منفی. از جنبه‌های مثبت، علنی شدن دادرسی در رسانه، پرهیز از اطاله دادرسی و کاهش نفوذ عوامل مختلف در دادرسی را می‌توان برشمرد. در مقابل، افشای هویت متهم، تضعیف حقوق متهم و اصل برائت، تضعیف دادرسی عادلانه، کاهش اختیار قاضی در دادرسی و رسیدگی‌های شتابزده به‌عنوان اثرات منفی رسانه‌ای شدن پرونده‌های کیفری شناسایی شدند. یافته مهم پژوهش نشان می‌دهد که چالش اصلی دادگاه‌ها در عصر حاضر، نه رسانه‌های

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران، Aliimani.0522@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بروجرد، ایران، (نویسنده مسئول)، sahel.ali84@yahoo.com

۳. مدیرگروه حقوق دانشگاه علمی کاربردی شیشه لریستان، ایران، Dr.alizalaghi.1986@gmail.com

رسمی، بلکه شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های مجازی غیررسمی هستند که محدودیت‌های قانونی ذکرشده در قوانین موضوعه را برنمی‌تابند. این بسترها با ماهیت غیرمتمرکز، سرعت انتشار بالا و عدم امکان کنترل مؤثر، مصادیق جدیدی از نقض حریم خصوصی و افشای اطلاعات محرمانه پرونده‌های کیفری را پدید آورده و با ایجاد دادگاه‌های موازی رسانه‌ای، حاکمیت قانون را به چالش می‌کشند.

نتیجه‌گیری: رسانه‌ای شدن پرونده‌های کیفری پدیده‌ای دوگانه است که می‌تواند هم در راستای شفافیت قضایی و هم در جهت تضعیف حقوق بنیادین متهمان عمل کند. با توجه به گسترش روزافزون رسانه‌های مجازی و ناکارآمدی مقررات موجود در کنترل محتوای آن‌ها، ضرورت بازنگری در سیاست‌های کیفری و تدوین مقررات خاص برای مدیریت افشای اطلاعات در فضای مجازی احساس می‌شود. مطالعات آتی می‌تواند به تحلیل تطبیقی رویکرد نظام‌های حقوقی موفق و ارائه الگوی بومی برای کنترل محتوای مجازی مرتبط با پرونده‌های کیفری در نظام حقوقی ایران بپردازد.

واژگان کلیدی: رسانه، جرم، بازنمایی رسانه‌ای، فرایند کیفری، رسانه‌های مجازی، دادرسی عادلانه، حریم خصوصی.

مقدمه

رسانه‌ها از دهه ۱۹۷۰ به بعد علاقه بیشتری به پوشش اخبار جرایم پیدا کردند. برای نمونه سهم اخبار جنایی در رسانه‌ها در فاصله سال‌های ۱۹۶۷-۱۹۳۹م، ۴ درصد بود. لیکن در آغاز دهه ۱۹۸۰ به ۵/۶ درصد، اواخر این دهه به ۱۳ درصد و در دهه ۱۹۹۰م، به ۲۸ درصد افزایش یافت.^۱ جذابیت خبری رویدادهای جنایی برای مخاطبان، عامل اصلی این تغییر رویکرد رسانه‌ها بوده، بطوری که موضوع جرم و جنایت به تدریج از حیطه ی قلمرو افرادی که صلاحیت اظهار نظر کارشناسی داشتند خارج شد و خبرنگاران و گزارشگران رسانه به یکی از منابع مهم اطلاع رسانی مردم تبدیل شدند. بنابراین از دهه ۱۹۷۰ م به بعد پردازش رسانه ای جرائم علاوه بر تغییر کمی، از لحاظ کیفی نیز تغییر یافت. لذا رسانه‌ها بطور ویژه گزارش حوادثی را منتشر می‌کنند که غیرعادی و تا حدی متفاوت هستند و بر تعداد بیشتری از مردم تاثیر می‌گذارند. این تغییر کیفی پردازش رسانه ای جرائم با افزایش مراجعه مردم به رسانه‌ها جهت کسب اطلاعات و آگاهی مصادف شد. در دهه‌های اخیر با کاهش زندگی اجتماعی ارگانیکی، ارتباط مردم با یکدیگر کمتر شده و مانند گذشته مردم برای کسب اطلاعات به اطرافیان خود متکی نمی‌باشند، بلکه به منابع دیگر مانند رسانه‌ها روی آورده‌اند. بدین سان، وسایل ارتباط جمعی می‌توانند با بهره‌گیری از شگردهای تبلیغات و آفرینش‌های هنری، نفرت و زشتی تزلزل باورها و ارزش‌های ملی و دینی را به مخاطبان خود القا کنند. براین اساس، یکی از وظایف و کارکردهای مهم رسانه‌ها، آگاه‌سازی و اطلاع رسانی است؛ یعنی اطلاع رسانی درمورد وقوع جرائم و انحرافات اجتماعی و کیفیت وقوع و ابعاد و راه‌های لغزش افراد به سوی کج روی و هنجارشکنی و در بعد دیگر، ایجاد نفرت از وقوع انحرافات و جرائم اجتماعی. بنابراین، رسانه‌های گروهی به عنوان متولیان اصلی اطلاع رسانی و آگاهی مردم موظفند تا با رعایت مقررات مربوط به محدوده اختیارات و حدود خویش، رسالت خود را بدون هیچ تداخلی در برنامه‌های عدالت کیفری به انجام رسانند. در این میان گاهی مشاهده می‌شود که رسانه‌ها با تخطی از مقررات و خروج از محدوده وظایف و اختیارات خود، زمینه‌های خلل در جریان رسیدگی کیفری را فراهم می‌آورند. در این مقاله به دنبال بررسی این موضوع هستیم تا اثرات رسانه ای شدن پرونده‌های کیفری را با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی مورد واکاوی قرار دهیم.

1. pratt, j., «penal populism and the contemporary role of punishment», in anthony, t., and cunneen, c. (eds.), the critical criminology companion, australia, Hawkins press, 2008

گفتار اول. مبانی نظری

بند اول. تعریف رسانه و جایگاه آن

به طور کلی منظور از رسانه‌های گروهی یا به عبارت دیگر وسایل ارتباط جمعی آن دسته از وسایل ارتباطی است که در تمدن‌های جدید بوجود آمده و مورد استفاده قرار گرفته شده و ویژگی اصلی آنان قدرت و توانایی زیاد و شعاع عمل وسیع است. بنابراین هیچ تردیدی نیست که شبکه رادیویی و تلویزیونی و سینما و... را باید در ردیف آن‌ها قرار داد. اگر بنا باشد یک تعریف جامع‌تری از رسانه‌های گروهی داشته باشیم شاید بتوان آن را مجموعه موسسات مطبوعاتی، هنری، خبرگزاری، آژانس‌های عکس و عکاسی و هر گونه موسسه یا سازمانی که به کار انتشار یا انعکاس اخبار و اطلاعات اشغال داشته و مقر اصلی آن‌ها داخل یا خارج از کشور باشد، تعریف کرد.^۱

رسانه‌های ارتباط جمعی، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی هستند که برای فعالیت موثر به امکانات سخت‌افزاری و نیروی انسانی ماهر نیاز دارند که تامین هر دو این‌ها می‌تواند زمینه را برای نقش‌آفرینی صحیح آن فراهم کند. رسانه‌ها قبل از هر چیز به مدیریت توانمند و آشنا به جدیدترین مسائل حوزه فعالیت خود نیازمندند تا با هدایت درست به تولید پیام و اطلاعات که وظیفه اصلی یک رسانه است بپردازند. نکته دیگری که در رابطه با رسانه حائز اهمیت است اهداف موسسان آن‌هاست. برخی از سرمایه‌گذاران فقط به منظور کسب سود وارد این حوزه می‌شوند. بدیهی است با در نظر داشتن کارکرد تجاری صرف، نمی‌توان کاملاً به مصالح عمومی وفادار ماند.

با توجه به ویژگی‌های فوق‌الذکر، بحث ارتباط جرم و رسانه در کشورها دامنه وسیع‌تری می‌یابد چرا که ضمن آن‌که از جرم علیه منافع ملی تعریف خاصی ارائه می‌شود، جرایمی چون جرایم علیه مقدسات و ارزش‌های دینی نیز موضوعیت پیدا می‌کند، مضافاً این که قابلیت رسانه‌ها برای پیشبرد اهداف نظام نیز مورد عنایت است. اما آن چه که تا به این جا بیان شد تمام پیچیدگی بحث را نمی‌نمایاند، چرا که با وقوع انقلاب الکترونیکی و پیشرفت روزافزون تکنولوژی ارتباطات، ضمن این که دریافت تصاویر شبکه‌های تلویزیونی جهانی از طریق ماهواره در سراسر جهان امکان‌پذیر شده، قابلیت فعالیت جهانی کلیه رسانه‌ها با اتصال به شبکه اینترنت نیز فراهم شده است.^۲

۱. کازنو، ژان، جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی، ترجمه باقر ساروخانی، ۱۳۷۳، تهران، انتشارات مؤسسه اطلاعات.

۲. بردبار، محمدحسن، درآمدی بر حقوق ارتباط جمعی، ۱۳۸۸، چاپ سوم، تهران: ققنوس.

بند دوم. تعریف جرم

جرم دارای دو تعریف اثباتی و اجتماعی است. در تعریف اثباتی برخی حقوقدانان با استفاده از ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ عنوان داشته‌اند هر فعل یا ترک فعلی که به موجب قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود اما این تعریف اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌هاست و تعریف جامع و مانعی برای جرم نیست بلکه میتوان جرم را در یک منظر چنین تعریف کرد: هر نوع رفتاری که به دلیل اخلاق در نظم اجتماعی و برهم زدن قانون و مقررات با واکنش اجتماعی و ضمانت اجرا همراه باشد.^۱ در تعریف اجتماعی، جرم به فعل یا ترک فعلی می‌گویند که مرتکب آن از طرف مردم و جامعه طرد می‌شود.^۲

مکاتب حقوق کیفری هر یک جرم را به گونه‌ای تعریف کرده‌اند. برای نمونه، مکتب عدالت مطلق، جرم را «هر فعل مغایر اخلاق و عدالت» تعریف می‌کند. همچنین از نظر گاروفالو، یکی از بنیانگذاران علم جرم‌شناسی، جرم عبارت است از تعرض به احساس اخلاقی بشری، یعنی «جریحه‌دار کردن آن بخش از حس اخلاقی که احساسات بنیادی نوع خواهانه یعنی شفقت و درست‌کاری را شامل می‌شود» همچنین کارارا جرم را «نقض یکی از قوانین دولت ناشی از فعل خارجی انسان که ایفای وظیفه یا اعمال حقی آن را تجویز نکند و مستوجب کیفر باشد» تعریف می‌کند.^۳

از دیدگاه اسلام، افعالی جرم تلقی می‌شود که مغایر با احکام یا اوامر و نواهی پروردگار باری تعالی باشد. در اصطلاح عبارت است از هر نوع عملی که در شرع ممنوع و دارای کیفر دنیوی، همچو ن حد، تعزیر، قصاص، دیه و کفاره و یا اخروی باشد؛ خواه در ارتباط با خود مجرم باشد، مانند ترک نماز و روزه و نوشیدن شراب و یا در ارتباط با دیگری، همچون ضرب و جرح و کشتن کسی. بنابراین، جرم در اصطلاح فقهی مترادف معصیت است.^۴ بر اساس تعاریف فوق می‌توان جرایم را بر اساس سه گونه از عناصر (دینی، اخلاقی و حقوقی) تعریف کرد که لزوماً در یک قالب قرار نمی‌گیرند.

۱. زلفی، علی، کلیات و مجازات‌ها، تقریرات درس حقوق جزای عمومی، ۱۳۹۸، دانشگاه پیام نور مرکز الیگودرز (لرستان)، ص ۲ و ۳.

۲. ستوده، هدایت، آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات)، ۱۳۸۴، تهران، انتشارات آوای نور.

۳. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲.

۴. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۰۰، ج ۳، ص ۵۷۷.

گفتار دوم. محدودیت‌های حقوقی و کیفری رسانه‌ها

بند اول. مبانی افشاگری و محدودیت‌های قانونی آن

یکی از راهکارهایی که امروزه در کنار سایر روش‌ها مورد استقبال زیادی قرار گرفته، استفاده وسیع از افشاگری در قالب ایجاد انگیزه و ترغیب آن و حمایت از افشاگران می‌باشد. اگرچه افشاگری راه‌چاره از میان برداشتن فساد نیست، اما یکی از ابزارهای توسعه و بهبود حاکمیت و ایجاد دولت‌ها و سازمان‌های دارای سلامت اخلاقی و حقوقی است. با وجود اهمیت و کارآیی گزارش‌دهی و افشاگری برای مبارزه با فساد، این پدیده با موانع نظری، اجرایی، اجتماعی، فرهنگی، سازمانی و قانونی بسیاری روبه‌روست که در بسیاری موارد، باوجود دلایل کافی، باعث از دست رفتن انگیزه فرد مطلع و انصراف وی از گزارش‌دهی می‌گردد.

در سراسر دنیا از افشاگران به‌عنوان قهرمانان آشکارسازی فساد و تقلب یاد می‌شود. افشاگران، مهم‌ترین عامل پیشگیری از منجر شدن اشتباهات بالقوه خطرناک به فاجعه تلقی می‌گردند. تمامی افرادی که مردم و مسئولین را از این موضوعات مهم مطلع ساختند، با واکنش‌های بسیار شدیدی مواجه شدند. از دست دادن شغل، محروم شدن از حقوق اجتماعی و سیاسی، متهم شدن به نقض قانون، قرارداد کار و ارتکاب جرم از جمله بازخوردهایی است که افشاگران با آن روبه‌رو می‌شوند.^۱

بند دوم. چالش‌های قانونی افشای اطلاعات توسط ضابطین دادگستری

یکی از مهم‌ترین چالش‌های حقوقی در تعامل رسانه و دستگاه قضایی، تعیین حدود و ثغور افشای اطلاعات توسط ضابطین دادگستری و سایر مأموران ذی‌صلاح است. قانون‌گذار ایران در تلاش برای ایجاد تعادل میان دو ضرورت گاه متعارض - یعنی حفظ محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی از یک سو و ضرورت گزارش‌دهی برخی جرائم از سوی دیگر - محدودیت‌ها و تکالیف خاصی را پیش‌بینی کرده است.

اگرچه نگرانی در مورد اقدامات تلافی‌جویانه، همواره مانع افشاگری بوده اما تنها مانع بر سر راه آن نیست. همان‌گونه که گفته شد، اقدامات تلافی‌جویانه، طیف وسیعی از مسائل از آزار و اذیت در محل کار تا

1. Banisar, D. (2011). Whistleblowing: International Standards and Developments. In I. Sandoval (Ed.), Corruption and Transparency: Debating the Frontiers between State, Market and Society. Washington, D.C.: World Bank Institute for Society, and Universidad Diego Portales.

پیامدهای بسیار شدیدتر را دربر می‌گیرد. بزرگترین نگرانی کارکنان، اخراج شدن است. در برخی نظام‌های حقوق کار، کارفرمایان می‌توانند کارکنان خود را بدون دلیل و اخطار اخراج نمایند، ولی در بسیاری از نظام‌ها این کار نیاز به دلیل و توجیه مانند نقض مقررات کار یا ناسازگاری دارد. در اکثر موارد، کارکنان، با هدف وادار کردن آنان به استعفا در معرض فشارهای شدید قرار می‌گیرند. البته در مواردی، تلافی جویی شکل بسیار افراطی به خود گرفته و در قالب اعمالی هم‌چون قتل و ضرب و جرح انجام می‌شود.

از جمله دیگر موانع مهم افشاگری می‌توان به مسئولیت قانونی اشاره نمود. در کشورهای مختلف موانع قانونی بسیاری برای ارائه غیرمجاز اطلاعات وجود دارد که منشأ آن‌ها طیف وسیعی از مفاهیم و قواعد سنتی در زمینه مسئولیت کارکنان، اعمال محرمانه و... است. این قواعد و مقررات، اغلب برای مجازات افشاگران و ارباب و بازداشت‌گذاری افشاگران بالقوه از سخن گفتن و ارائه اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گیرند. مهم‌ترین مصادیق مسئولیت‌های قانونی کارکنان عبارتند از:

- وظیفه وفاداری و رازداری
- مسئولیت کیفری برای پرده برداشتن از اعمال سری و محرمانه
- استفاده از اتهام توهین و افترا برای ساکت نگه داشتن افشاگران
- مسئولیت‌های حقوقی و کیفری با استناد به قوانین ناظر بر سرقت یا تجارت اسناد

بر اساس ماده ۷۱۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، ضابطین دادگستری و سایر مأموران صالحیت‌دار مکلف‌اند در صورت اطلاع از وجود برخی جرائم خاص مانند اماکن فساد (مذکور در مواد ۷۰۴، ۷۰۵ و ۷۰۸) یا اشخاص مرتکب جرائم مشخص ماده ۷۱۰، مراتب را به مقامات ذی‌صلاح گزارش کنند. این ماده مقرر می‌دارد:

«هرگاه یکی از ضابطین دادگستری و سایر مأمورین صالحیت‌دار از وجود اماکن مذکور در مواد (۷۰۸) و (۷۰۵) و (۷۰۴) یا اشخاص مذکور در ماده (۷۱۰) مطلع بوده و مراتب را به مقامات ذی‌صلاح اطلاع ندهند، یا برخلاف واقع گزارش نمایند، در صورتی که به موجب قانونی دیگر مجازات شدیدتری نداشته باشند، به سه تا شش ماه حبس یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شوند.»

به همین ترتیب، ماده ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی، مدیران و مسئولان سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا عمومی را مکلف کرده است که در صورت آگاهی از وقوع جرائمی چون ارتشا، اختلاس، تصرف

غیرقانونی یا کلاهبرداری یا جرایم مذکور در ماده (۵۹۹) و (۶۰۳) قانون مجازات اسلامی، مراتب را حسب مورد به مراجع صالحیت دار قضایی یا اداری اعلام کنند.^۱

در مقابل این تکالیف خاص، اصل کلی بر محرمانه بودن اطلاعات است که در ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ تصریح شده است. این ماده افشای اسرار افراد را که شخص به حکم شغل یا حرفه خود به آن‌ها دست یافته، جرم دانسته و برای آن مجازات حبس یا جزای نقدی پیش‌بینی کرده است.^۲ چالش اصلی در تعامل این مواد، تعیین مرز دقیق میان اطلاعاتی است که باید افشا شود و اطلاعاتی که باید محرمانه بماند. ضابطین دادگستری و مأموران دیگر باید بتوانند تشخیص دهند که چه زمانی در معرض تکلیف قانونی گزارش‌دهی قرار دارند و چه زمانی مشمول ممنوعیت افشای اسرار می‌شوند.^۳ این تشخیص همیشه ساده نیست و در موارد مرزی، ممکن است موجب تردید و ابهام شود.

نکته مهم دیگر این است که حتی در مواردی که تکلیف قانونی به گزارش‌دهی وجود دارد، افشای اطلاعات باید به اندازه ضرورت و در محدوده قانونی باشد. نمونه سوم ماده ۲۳۲ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶ است که مقرر می‌دارد: «مأموران تشخیص و سایر مراجع مالیاتی باید اطلاعاتی را که ضمن رسیدگی به امور مالیاتی مودی به دست می‌آورند، محرمانه تلقی و از افشای آن جز در امر تشخیص درآمد و مالیات نزد مراجع ذی‌ربط در حد نیاز خودداری نمایند و در صورت افشا، طبق قانون مجازات اسلامی با آنها رفتار خواهد شد.»

بند سوم. موانع فرهنگی و اجتماعی افشاگری در فضای رسانه‌ای

علاوه بر آن‌چه گفته شد، در جوامع مختلف، موانع فرهنگی بسیار مهمی وجود دارند که بدون فائق آمدن بر آن‌ها افشاگری ممکن نخواهد بود. افشاگران معمولاً خبرچین، مأمور مخفی، جاسوس و... تلقی می‌گردند. این موضوع ریشه در سوءاستفاده از خبرنگاران و منابع خبری گمنام در طول تاریخ توسط رژیم‌هایی هم‌چون دادگاه تفتیش عقاید، آلمان نازی، اتحاد جماهیر شوروی سابق، و دوران آپارتاید در آفریقای جنوبی دارد.^۴

۱. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد نخست. تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲.

۲. محسنی، فرید، پیشگیری از جرم در سازمان با حمایت از افشاگران، فصلنامه حقوق، دوره ۸۵، شماره ۱۱۶، زمستان ۱۴۰۰، صفحات ۲۵۷ تا ۲۸۲.

۳. محمدی، قاسم، جرم مطبوعاتی، تهران، سمت، ۱۳۹۰.

۴. محسنی، فرید، پیشگیری از جرم در سازمان با حمایت از افشاگران، فصلنامه حقوق، دوره ۸۵، شماره ۱۱۶، زمستان ۱۴۰۰، صفحات ۲۵۷ تا ۲۸۲.

علاوه بر این، فرهنگ درون سازمان‌ها نیز باید مورد توجه قرار گیرد. بدین ترتیب، افشاگران، در درون سازمان و نیز جامعه با مجازات‌های اجتماعی روبه‌رو می‌گردند. و البته در پاره‌ای از موارد ارائه اطلاعات به بیگانگان، نوعی خیانت محسوب می‌گردد. حتی در فقدان مجازات‌های رسمی، طرد شدن از جامعه یا به حاشیه رانده شدن در یک سازمان می‌تواند فشار بسیار سنگینی به افراد وارد آورد. در چنین مواردی، حتی ممکن است همکاران، بدون آگاهی یا اجازه کارفرما به آزار و اذیت شخص افشاگر بپردازند.^۱

این موانع فرهنگی در زمینه رسانه‌ای شدن پرونده‌های کیفری، تأثیرات پیچیده‌ای دارد. از یک سو، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی با ایجاد فاصله و ناشناس بودن نسبی، برخی از موانع فرهنگی را کاهش داده و افراد را جسورتر در افشای اطلاعات کرده است. اما از سوی دیگر، همین فضا باعث شده که افشاگری بدون مسئولیت‌پذیری، بدون تأیید صحت اطلاعات، و گاه با انگیزه‌های شخصی مانند انتقام‌جویی یا کسب محبوبیت انجام شود.^۲ در نتیجه، مرز میان افشاگری مسئولانه در راستای عدالت و افشاگری غیرمسئولانه که می‌تواند به آبروی افراد بی‌گناه آسیب بزند، بسیار نازک شده است.

گفتار سوم. مقررات قانونی در خصوص افشای حریم خصوصی

در حقوق و حقوق کیفری محدودیت‌هایی برای عدم افشای حریم خصوصی افراد در نظر گرفته است. با مطالعه مواد قانونی، موارد قانونی که از جرم افشای سر خارج شده‌اند، دو دسته امور هستند:

بند اول. اموری که جرم نیستند ولی در زمره اسرار مردم شناخته می‌شوند:

با این همه قانون‌گذار پاره‌ای افراد را نه تنها مجاز بلکه مکلف کرده است که آن‌ها را به مقامات صالح گزارش دهند. مانند مواد (۱۹)، (۱۴)، (۱۳) قانون جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی، بند ۴ ماده (۲۶) قانون ثبت احوال ۱۳۵۵ درباره الزام به اعلام فوت اشخاص توسط مأموران انتظامی یا کدخدا یا

1. Banisar, D. (2011). Whistleblowing: International Standards and Developments. In I. Sandoval (Ed.), Corruption and Transparency: Debating the Frontiers between State, Market and Society. Washington, D.C.: World Bank Institute for Society, and Universidad Diego Portales.

۲. کازنو، ژان، جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی، ترجمه باقر ساروخانی، ۱۳۷۳، تهران، انتشارات مؤسسه اطلاعات.

ماده (۱۹) همان قانون درباره تکلیف به اعلام ولادت توسط ماماها به ثبت احوال.

بند دوم. اموری که اگرچه اسرار مردم هستند ولی مشمول عناوین مجرمانه نیز می‌شوند:

مانند این که ضابطان دادگستری در حین اخذ گزارش از شخصی بدون این که وی اقرار کند، پی ببرند که او محلی را برای شرب خمر یا قمار بازی فراهم کرده است. در این صورت طبق ماده (۷۱۱) قانون مجازات اسلامی وی مکلف است مراتب را به مقامات ذی صلاح گزارش کند.

بر پایه آن چه یاد شد، روشن است که تنها کسانی مجاز به افشای سر هستند که نوعی تکلیف قانونی بر عهده آنان نهاده شده باشد و قانون‌گذار آن‌ها را ملزم کرده است که در صورت آگاه شدن بر مواردی که در قانون آمده است، گزارش کنند و اشخاص خارج از قلمرو موارد قانونی مجاز به افشای سر نیستند و در این صورت تحت آن اصل کلی قرار می‌گیرند که در ماده (۶۴۸) وجود دارد.^۱

می‌توان گفت اساساً اموری که مربوط به قلمرو خصوصی مردم است و آنان انگیزه بر پنهان کردن آن دارند، تا هنگامی که قانون اجازه نداده، کسی که به خاطر موقعیت خود به آن‌ها آگاه شده و افشا کند، مشمول ماده (۶۴۸) قرار می‌گیرد. نکته‌ای که از مطالعه مواد قانونی چون ماده (۷۱۱) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و یا ماده (۲۲۳) قانون مالیات‌های مستقیم به دست می‌آید، این است که در مواردی که شخص مجاز به افشای سر است، باید آن را به مقامات ذی صلاح گزارش کند وگرنه چنان چه به کسانی به جز افراد یاد شده، گزارش کند، مرتکب افشای سر در غیر از موارد قانونی شده است و باید مجازات شود.

گفتار چهارم. واکاوی اثرات رسانه ای شدن پرونده های کیفری

بند اول. اثرات مثبت رسانه ای شدن پرونده های کیفری

الف. علنی شدن دادرسی در رسانه

اصل علنی بودن دادرسی یکی از اصول مسلم در بسیاری از سیستم های حقوقی است و در ایران در اصل ۱۶۵ و ۱۶۸ قانون اساسی و در ماده ۳۵۲ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پیش بینی شده است.

۱. محسنی، فرید، پیشگیری از جرم در سازمان با حمایت از افشاگران، فصلنامه حقوق، دوره ۸۵، شماره ۱۱۶، زمستان ۱۴۰۰، صفحات ۲۵۷ تا ۲۸۲.

یکی از دلایل مهم علنی شدن دادرسی پاسخگویی حداکثری نظام قضایی نسبت به جامعه است. از این راه تمامی کسانی که با دادرسی در ارتباط هستند به واسطه جنبه عمومی جرم در مقابل جامعه مسئول اند و اعمال و گفتار خود را با احتیاط و دقت ادا می‌کنند. قاضی، شاکی، متشاکی، شاهد، مطلع، کارشناس، وکلا و... به درستی به وظایف خود را انجام می‌دهند و می‌دانند اعمال آن‌ها از طریق رسانه توسط گروه عظیمی از جامعه رصد می‌شود.

ب. پرهیز جستن از اطاله دادرسی

فشار رسانه‌ها گاهی در برخی از پرونده‌ها زیاد می‌شود که دستگاه قضایی را بر آن می‌دارد تا بسیاری از فرایندهای طولانی‌کننده دادرسی که اغلب کاغذبازی‌های اداری است را سریع‌تر طی کند و نتیجه دادرسی زودتر مشخص شود زیرا فشار افکار عمومی در پرونده‌هایی که رسانه‌ای می‌شوند دستگاه قضا را مسئول می‌داند تا سریع‌تر جرمی که باعث جریحه‌دار شدن افکار عمومی شده است را مورد بررسی قرار دهد.

ج. کاهش نفوذ عوامل مختلف در دادرسی

مردم بر این باورند که علنی شدن دادرسی باعث کاهش اعمال نفوذ دست‌هایی خواهد شد ممکن است بر رسیدگی کیفری تاثیر داشته باشند زیرا رصد افکار عمومی و مقایسه پرونده با نقدها و نظرات حقوقدانان مختلف به مردم یک دیدگاه کلی راجع به پرونده می‌دهد و مردم منتظرند تا پرونده کیفری به آن فروزی که توسط متخصصان منتقد مطرح شده است ختم شود بنابراین اگر اصل بی‌طرفی در یک دادرسی رعایت نشود و یا اشخاصی در پرونده دخیل شوند تا اصل استقلال قاضی زیر سوال برود افکار عمومی به آن پاسخ خواهند داد.

بند دوم. اثرات منفی رسانه‌ای شدن پرونده‌های کیفری

الف. افشای هویت متهم

امروزه ما شاهد دست به دست شدن تصاویر و جزئیات وقوع جرم در صفحات مجازی هستیم که خود می‌تواند علاوه بر غیرقانونی بودن این مسئله تبعات روحی بسیاری برای تمام کسانی که با جرم در ارتباطند داشته باشد. افشای بی‌مورد هویت بزهکار باعث از بین رفتن شأن و احترامی می‌شود که

خود او و اطرافیان‌ش در گذشته به دست آورده و شامل مفسده‌هایی می‌شود که بعضاً ضررش بیش‌تر از منفعتش است و ممکن است افراد در ارتباط با پرونده را نیز در خطر قرار دهد و یا حتی خشم عمومی را به سمت متهم سوق دهد به طوریکه شاید عده‌ای را برانگیزد تا به دست خودشان متهم را مجازات کنند؛ حال آنکه می‌دانیم اجرای عدالت بر طبق قانون و به دست دستگاه قضا است و احساسات عمومی نباید مانع اجرای قانون شود و البته کسی هم اجازه اجرای قانون را ندارد مگر دستگاه قضا. بالاخص اینکه مجرمیت شخص مورد تعقیب هنوز کاملاً محرز نشده و افشای هویت متهم هم به افراد لطمه می‌زند هم به کل جامعه، حال آنکه هدف اصلی اجرای مجازات تنبیه مجرم بر اساس قانون و صیانت از جامعه است؛ نه چیزی که به هر دو، فرای قانون آسیب بزند. از این رو قانون مشخص کرده که تحقیقات مقدماتی باید محرمانه باشد تا در کشف جرم و آثار و علائم آن توسط ضابطین و کارشناسان اخلاص وارد نشود و این فرآیند بهترین شکل ممکن انجام شود.

ب. تضعیف حقوق متهم

بین متهم بودن با مجرم بودن تفاوت بسیاری وجود دارد که معمولاً عامه در تشخیص این دو دچار اشتباه می‌شوند. شخصی که در معرض اتهام قرار می‌گیرد مجرم نیست و تا بررسی نهایی و صدور حکم به طور قطع نمی‌توان در خصوص مجرم بودن کسی اظهار نظر کرد. اصول دیگری نیز هستند که ممکن است به وسیله رسانه‌ای شدن مسئله و شکل‌گیری دیدگاه در خصوص متهم توسط آن‌ها نیز تضعیف شود. این مسائل در دادسرا بیشتر اهمیت می‌یابد زیرا رسانه‌ها به افکار عمومی شکل داده و بی‌گناهی متهم را زیر سوال می‌برند و آن قضاوتی است که افکار عمومی نسبت به متهم می‌کند زیرا تا قبل از اثبات مجرمیت، فرد کاملاً بی‌گناه شناخته می‌شود و حق استفاده از اصل برائت که اصلی حقوق بشری است را دارند و این بی‌قاعدگی، خود باعث بروز ناعدالتی در دستگاه کیفری می‌شود بنابراین با تقویت حریم خصوصی متهمان باید این مسئله را تعدیل نمود.

ج. تضعیف دادرسی عادلانه

محاکمه عادلانه طبق قانون حق هر کس است که از مهم‌ترین اصول حقوق بشری نیز هست که مطابق با خرد انسان و همچنین بسیاری از ادیان الهی بنا شده که اصطلاحاً مخالف سوزاندن تر و خشک با هم هستند. در نظام‌های حقوقی و کیفری مورد قبول در جهان هر کس مسئول اعمال

خودش است و بنابر دین اسلام هم اگر کسی بیش‌تر از آن‌چه که حقش است مجازات شود ظلم دیده و مجازات‌هایی مثل قصاص عضو و شلاق اگر بیش از حد مشخص باشد مشمول شکنجه و دارای دیه خواهد بود بنابراین مهمترین اصل در یک دستگاه قضایی برپایی عدالت و یک دادرسی کاملاً قانونی و عادلانه است. بهترین وصف دادرسی عادلانه در واقع همان دادرسی بر اساس قانون است. رسانه‌ای شدن برخی از جهات پرونده‌های کیفری به حقوق اشخاص به خصوص متهم لطمه وارد نموده و کشف واقعیت را در دادرسی سخت‌تر کرده و به آبرو و وجهه افراد وارد در پرونده خدشه وارد می‌کند. برای همین است که قانون حدود علنی شدن پرونده‌های کیفری را مشخص نموده چرا که هدف محافظت از جامعه بوده و متهم نیز جزئی از جامعه است و اگر بتوان از راه افشای جزئیات پرونده بدون افشای نام مجرم جامعه را به آگاهی برسانند باید از اطلاعات مجرم یا متهم حفاظت شود. کما اینکه علنی بودن محاکمه نیز اصلی مطلق نیست و دادرسی‌های غیرعلنی هم در حقوق ایران وجود دارد. علنی بودن محاکمات در ایران به معنای مخدوش نمودن آبرو و تخریب شأن و شخصیت افراد نیست بلکه اعلام شفافیت دستگاه قضا است و رسانه باید این اعلام شفافیت را به نظر افکار عمومی برساند بنابراین باید به این توجه داشت که از قدرت رسانه در تخریب دادرسی عادلانه استفاده نشود زیرا که منفعت و حقوق جامعه همان منفعت و حقوق مجرم یا متهم است.

د. کاهش اختیار قاضی در دادرسی

در سیستم قضایی ایران اصل استقلال قاضی مورد تایید است و این به آن معناست که قاضی این اختیار را دارد که به دور از اهرم‌های فشار موجود در هر جامعه طبق اختیار قانونی حکم صادر کند. اصل بی طرفی و استقلال قضات حتی از سوی حضرت علی در زمان حکومتش بسیار مورد توجه بوده و ایشان اصرار داشته‌اند تا قضات آن زمان این اصل را رعایت کنند. استقلال قاضی دو وجه دارد عدم وابستگی به قوای حکومتی و عدم تمایل به اصحاب دعوا. یکی از ویژگی‌های رسانه‌ها گرایش به برخی از جریان‌ها است هنگامی که رسانه‌ها در رسیدگی قضایی تأثیر می‌گذارند می‌توانند به نفع برخی مناسبات موجود در جریان رسیدگی دست به عمل زده و معادلات را برهم بزنند بنابراین باید تا حد امکان از نفوذ رسانه‌هایی که به جریان‌های خاصی تمایل دارند جلوگیری شود. رسانه‌ها می‌توانند با جهت دادن به جو موجود فشار زیادی بر قضات وارد ساخته و دادرسی را از مسیر اصلی خود خارج کنند زیرا رسانه‌های گروهی قدرت این را دارند که خیل کثیری را با خود هم عقیده

و هم‌رأی سازند زیرا برخی از جرائم با توجه به اینکه مجازات مشخص در قانون دارند اما از نظر جامعه بسیار قبیح شمرده می‌شوند (مانند جرائم جنسی) و زمانی که جامعه به قضاوت این جرایم می‌نشیند ممکن است سخت‌تر از آنچه که باید قانوناً عمل شود در خصوص مجرمین و متهمین جوسازی شود و این جوسازی تبدیل به اهرم فشاری بر تصمیم‌گیری قاضی شود.

ه. رسیدگی‌های شتاب‌زده

همانطور که اطلاع دادرسی می‌تواند تأثیرات منفی بر احکام کیفری بگذارد رسیدگی‌های شتاب‌زده نیز می‌تواند تأثیرات منفی دو چندان بر این روند بگذارد. کاربرد رسانه در انتشار آرا، اخبار و گاهی ایجاد جوی خاص در سطح جامعه است و در برخورد با برخی جرائم رسانه باعث برانگیختن گروهی از جامعه می‌شود که ممکن است با جرائم در ارتباط بوده یا بیم این را داشته باشند که آنها نیز از جرم مشابه لطمه ببینند و به این ترتیب خواستار مجازات سریع جرم باشند. حق دفاع از طبیعی‌ترین حقوق افراد است هنگامی که شتاب‌زدگی در امر قضایی اتفاق بیفتد این حق تضییع می‌شود.

و. نقد رویه موجود در رسانه‌های مجازی غیررسمی و چالش پیش‌روی دستگاه قضایی

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که چالش اساسی دستگاه قضایی در عصر حاضر، نه رسانه‌های سنتی و رسمی که تحت نظارت و مقررات مشخصی قرار دارند، بلکه شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های مجازی غیررسمی هستند که محدودیت‌های قانونی ذکرشده در مواد ۶۴۸، ۷۱۱ و ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ را عملاً بی‌اثر کرده‌اند. این بسترهای نوین با ویژگی‌های منحصربه‌فردی چون ساختار غیرمتمرکز، سرعت بی‌سابقه در انتشار اطلاعات و تصاویر، گستردگی مخاطبان و دشواری کنترل محتوا، مصادیق جدیدی از نقض حریم خصوصی و افشای اطلاعات محرمانه پرونده‌های کیفری را پدید آورده‌اند که مقررات موجود کارایی لازم برای مواجهه با آن را ندارند.

در حالی که ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ افشای اسرار را مجرمانه می‌شمرد و مواد ۷۱۱ و ۶۰۶ تکالیف مشخصی را برای ضابطین و مأموران تعیین کرده‌اند، این مقررات در مورد کاربران عادی شبکه‌های اجتماعی که به انتشار تصاویر، اطلاعات و جزئیات پرونده‌های کیفری می‌پردازند، قابلیت اجرای محدودی دارد.^۱ پدیده «دادگاه‌های موازی رسانه‌ای» در فضای مجازی، که در آن کاربران بدون

۱. محمدی، قاسم، جرم مطبوعاتی، تهران، سمت، ۱۳۹۰.

آگاهی از اصول دادرسی عادلانه و بدون دسترسی به اطلاعات کامل پرونده، به قضاوت و صدور حکم می‌پردازند، به یکی از جدی‌ترین تهدیدها علیه حاکمیت قانون و اصل برائت تبدیل شده است.

رویه موجود در فضای مجازی نشان می‌دهد که انتشار تصاویر متهمان، افشای هویت مجنی‌علیه‌هم، بازنشر اسناد محرمانه پرونده‌ها و حتی انتشار جزئیات خصوصی زندگی افراد مرتبط با پرونده‌های کیفری، به صورت گسترده و بدون هیچ‌گونه محدودیت مؤثری انجام می‌شود. این امر نه تنها اصل محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی را که در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ (مواد ۲ و ۹۱) تصریح شده است نقض می‌کند، بلکه به حقوق اساسی متهمان که هنوز حکم قطعی در مورد آن‌ها صادر نشده، آسیب جدی وارد می‌سازد.^۱

رویه قضایی نشان می‌دهد که مجازات‌های پیش‌بینی‌شده برای افشای اطلاعات در فضای مجازی، به دلیل مشکلات شناسایی مرتکبین، فرامیتی بودن برخی پلتفرم‌ها و ضعف زیرساخت‌های فنی-حقوقی، اثربخشی لازم را ندارند.^۲ در بسیاری از موارد، حتی پس از شناسایی متشرکنندگان اطلاعات محرمانه، اثبات عناصر تشکیل‌دهنده جرم در دادگاه با دشواری‌هایی همراه است. علاوه بر این، ماهیت فراگیر و سریع فضای مجازی باعث می‌شود که حتی پس از حذف محتوای خلاف قانون، آسیب وارده به حریم خصوصی و آبروی افراد غیرقابل جبران باقی بماند.

نکته قابل توجه دیگر، تفاوت بنیادین میان افشاگری مسئولانه در راستای مصلحت عمومی و افشای بی‌ضابطه اطلاعات در فضای مجازی است. در حالی که قانون‌گذار در مواد ۷۱۱ و ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، مکانیزم‌های مشخصی را برای گزارش‌دهی جرائم خاص به مراجع ذی صلاح پیش‌بینی کرده است، رویه موجود در فضای مجازی فاقد هرگونه ضابطه، کانال رسمی و مسئولیت‌پذیری است. کاربران معمولاً اطلاعات را نه به مراجع قضایی که قانوناً صلاحیت رسیدگی دارند، بلکه در فضای عمومی منتشر می‌کنند که این امر نه تنها به کشف حقیقت کمکی نمی‌کند، بلکه با ایجاد پیش‌داوری‌های عمومی، فضای بی‌طرفانه لازم برای دادرسی عادلانه را مختل می‌سازد. این امر ضرورت بازنگری در سیاست‌های کیفری و تدوین مقررات خاص برای مدیریت افشای اطلاعات

۱. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۲.

۲. فرجی‌ها، محمد، بازتاب رسانه‌ای جرم، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، ۱۳۸۵، سال ششم، شماره ۲۲.

در فضای مجازی را دوچندان می‌کند. لازم است که قانون‌گذار، ضمن احترام به آزادی بیان و حق دسترسی به اطلاعات، مکانیزم‌های مؤثری را برای حمایت از حریم خصوصی متهمان، جلوگیری از محاکمه‌های موازی رسانه‌ای و تضمین حق دادرسی عادلانه در عصر رسانه‌های مجازی طراحی کند. این مکانیزم‌ها باید شامل تعیین مسئولیت پلتفرم‌های میزبان محتوا، ایجاد سیستم‌های سریع حذف محتوای خلاف قانون، آموزش عمومی درباره مسئولیت‌های کاربران و تقویت ظرفیت‌های فنی و حقوقی دستگاه قضایی برای مواجهه با این چالش نوین باشد.

گفتار پنجم. بحث و نتیجه‌گیری

رسانه‌ها امروز چنان در زندگی ما رسوخ کرده‌اند که تأثیر آن‌ها بر مسائل مختلف از دید ما بدیهی است. یکی از حوزه‌هایی که از رسانه تأثیر می‌پذیرد، بی‌شک عرصه حقوق کیفری است. رسانه‌ها به افکار عمومی شکل می‌دهند، سیاست‌گذاران از طریق رسانه‌ها افکار عمومی را جهت می‌دهند و در حوزه جرائم و مجازات‌ها به این شکل است که مردم اطلاعات خود را در این حوزه کم و بیش از رسانه‌ها می‌گیرند. رسانه وسیله‌ای جذاب است زیرا در میان مردم به عنوان ابزار ایجاد سرگرمی و گذراندن اوقات فراغت شناخته می‌شود. سرعت انتشار مسائل به همراه آب و رنگ و استفاده از ادبیات خاص دست به دست هم می‌دهند تا رسانه را به عنوان قدرتمندترین ابزار جهت‌دهی به افکار بشر شناخت. فراتر از سیستم قضایی هر کشور، افراد با در دست داشتن رسانه خود که امروزه به کوچک‌ترین حد خود یعنی یک اکانت در یک بستر مجازی خلاصه شده است، می‌توانند اشخاص و رویدادها را محکوم کنند، توضیحات و ادله خود را بدون آن‌که جز مطلعین و شاهدین پرونده‌ای خاص باشند منتشر سازند و در مورد احکامی که قرار است صادر شود به حدس و گمانه‌زنی بپردازند و در نهایت از احکام صادره انتقاد کنند. در یک کلام، در فرایند کیفری که از مرحله کشف جرم تا اجرای حکم می‌باشد، تأثیر رسانه اهمیت به‌سزایی دارد که شامل تأثیرات مثبت و منفی بر رسیدگی به پرونده‌های کیفری است.

بند اول. تحلیل تطبیقی اثرات رسانه‌ای شدن پرونده‌های کیفری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که رسانه‌ای شدن پرونده‌های کیفری به‌مثابه شمشیری دولبه عمل می‌کند که می‌تواند هم در راستای تحقق عدالت و هم در جهت تضعیف آن به کار گرفته

شود. این دوگانگی را می‌توان در جدول ۱ به صورت تطبیقی مشاهده کرد:

الف. جدول ۱: تحلیل تطبیقی اثرات رسانه‌ای شدن پرونده‌های کیفری

اثرات منفی (کارکردهای تخریبی)	اثرات مثبت (کارکردهای حمایتی)	بُعد تأثیرگذاری
افشای هویت متهم و نقض حریم خصوصی افراد	علنی شدن دادرسی و افزایش پاسخگویی نظام قضایی به جامعه	شفافیت قضایی
رسیدگی‌های شتابزده و نقض حق دفاع	پرهیز از اطاله دادرسی و تسریع در روند قضایی	کارایی رسیدگی
کاهش اختیار قاضی و ایجاد فشار رسانه‌ای بر تصمیم‌گیری قضایی	کاهش نفوذ عوامل غیرقانونی در دادرسی	استقلال قضایی
تضعیف اصل برائت و محاکمه‌های موازی رسانه‌ای	رصد عمومی برای جلوگیری از نقض حقوق بنیادین	حقوق متهم
تضعیف دادرسی عادلانه و ایجاد پیش‌داوری‌های عمومی	ایجاد انگیزه در قضات برای رعایت دقیق قوانین	عدالت دادرسی

تحلیل داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که مسئله اصلی نه در خود پدیده رسانه‌ای شدن، بلکه در چگونگی مدیریت و هدایت آن نهفته است. در هر یک از ابعاد پنج‌گانه شناسایی شده، تعادل میان کارکردهای مثبت و منفی شکننده و نیازمند مدیریت هوشمندانه است. چالش اساسی که دستگاه قضایی با آن مواجه است، یافتن نقطه تعادل میان شفافیت مطلوب و حفاظت از حقوق اساسی متهمان است. چالش نوین که امروزه دستگاه قضایی با آن مواجه است، نه رسانه‌های سنتی و رسمی، بلکه شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های مجازی غیررسمی است که محدودیت‌های قانونی ذکرشده در مواد ۶۴۸، ۷۱۱ و ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ را عملاً بی‌اثر کرده‌اند و با ایجاد دادگاه‌های موازی رسانه‌ای، حاکمیت قانون را به چالش جدی کشیده‌اند.

بند دوم. پیشنهاد‌های سیاستی برای مدیریت رسانه‌ای پرونده‌های حساس

بر اساس یافته‌های این پژوهش، مدیریت رسانه‌ای پرونده‌های کیفری نیازمند رویکردی جامع در سه سطح کلان، میانی و خرد است. در سطح کلان سیاست‌گذاری، ضرورت دارد که قوه قضائیه «سند راهبردی

مدیریت رسانه‌ای پرونده‌های کیفری» تدوین کند که در آن اصول، اهداف و راهبردهای کلی تعامل با رسانه‌ها بر اساس دو محور پذیرش اجتناب‌ناپذیری رسانه‌ای شدن و تعهد به حفاظت از حقوق متهمان مشخص شود. در این راستا، تدوین پروتکل جامع ارتباطات رسانه‌ای که مشخص کند در هر مرحله از فرآیند کیفری چه اطلاعاتی قابل افشا و چه مقاماتی صلاحیت ارائه اطلاعات را دارند، اولویت نخست است.

در سطح میانی نهادسازی، ایجاد واحدهای تخصصی روابط عمومی قضایی در محاکم مهم ضروری است. این واحدها باید با کارشناسان آموزش‌دیده تجهیز شوند و وظیفه پر کردن خلأ اطلاعاتی را برعهده بگیرند تا روایت‌های غیررسمی و نادرست جای روایت رسمی و مستند را نگیرند. علاوه بر این، تأسیس «شورای هماهنگی رسانه‌ها و عدالت کیفری» متشکل از نمایندگان دستگاه قضایی، اصحاب رسانه، حقوق‌دانان و فعالان مدنی می‌تواند نقش میانجی‌گری، تدوین دستورالعمل‌های اخلاقی و ارائه گزارش‌های دوره‌ای از کیفیت پوشش رسانه‌ای را ایفا کند.

در سطح خرد اجرایی، آموزش مستمر قضات و مقامات قضایی در حوزه‌هایی چون درک ماهیت رسانه‌های نوین، مهارت‌های ارتباطی حرفه‌ای و راهکارهای حفاظت از استقلال قضایی در برابر فشارهای رسانه‌ای اهمیت حیاتی دارد. برای پرونده‌های حساس، ایجاد سیستم پایش لحظه‌ای محتوای رسانه‌ای و واکنش سریع به اطلاعات نادرست یا افشای غیرقانونی ضروری است.

چالش فضای مجازی نیازمند رویکردی ویژه است. تدوین قوانین خاص افشای اطلاعات در فضای مجازی که ضمن احترام به آزادی بیان، از حقوق متهمان حمایت کند، همکاری بین‌المللی برای مقابله با پلتفرم‌های فراملیتی، و افزایش سواد رسانه‌ای شهروندان از طریق آموزش عمومی، اقدامات کلیدی در این زمینه هستند.

نتیجه‌گیری نهایی

این پژوهش نشان داد که رسانه‌ای شدن پرونده‌های کیفری پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر است که می‌تواند هم ابزار تحقق عدالت باشد و هم عامل تضعیف آن. تعادل میان شفافیت قضایی و حمایت از حقوق متهمان، تنها از طریق سیاست‌گذاری دقیق، نهادسازی کارآمد و آموزش مستمر قابل دستیابی است. چالش رسانه‌های مجازی غیررسمی و پدیده دادگاه‌های موازی رسانه‌ای، ضرورت بازنگری اساسی در سیاست‌های کیفری را دوچندان کرده است. پیشنهاد‌های سیاستی ارائه شده، چارچوبی برای حرکت از رویکرد واکنشی به رویکرد پیشگیرانه و مدیریتی را ترسیم می‌کند. مطالعات آتی می‌تواند با انجام

پژوهش‌های میدانی، تحلیل تطبیقی تجربیات بین‌المللی و مطالعه موردی انواع جرائم، به عمق بیشتری در این حوزه دست یابد و الگوی بومی جامع‌تری برای نظام حقوقی ایران طراحی کند.

فهرست منابع

۱. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۲) *حقوق جزای عمومی*. جلد نخست. تهران: نشر میزان.
۲. آقایی‌نیا، حسین؛ رحیمی، مهدی و صالحی، علی (۱۴۰۲). «چالش‌های حقوقی شبکه‌های اجتماعی در پرونده‌های کیفری»، فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره ۱۴، شماره ۴۲، صص ۱۲۳-۱۵۰.
۳. میرمحمدصادقی، حسین (۱۴۰۱) *حقوق کیفری و فضای سایبر*، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
۴. بردبار، محمدحسن (۱۳۸۸) *درآمدی بر حقوق ارتباط جمعی*، چاپ سوم، تهران: ققنوس.
۵. راثی‌تهرانی، حبیب (۱۳۸۹) «سنجش نگرش مخاطبان تلویزیون نسبت به تأثیر پیام‌های سلامت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی.
۶. ستوده، هدایت (۱۳۸۴) *آسیب شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات)*، تهران: انتشارات آوای نور.
۷. کارنو، ژان، (۱۳۷۳) *جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات مؤسسه اطلاعات.
۸. محسنی، فرید، (۱۴۰۰) *پیشگیری از جرم در سازمان با حمایت از افشاگران*، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۵، شماره ۱۱۶.
۹. محمدی، قاسم، (۱۳۹۰) *جرم مطبوعاتی*، تهران: سمت.
۱۰. معتمدنژاد، کاظم، (۱۳۸۷) *حقوق مطبوعات؛ بررسی تطبیقی مبانی حقوقی آزادی مطبوعات و مقررات تأسیس آن‌ها*، چاپ پنجم، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
۱۱. فارال، استفن و دیگران، (۱۳۹۲). *نظم اجتماعی و ترس از جرم در دوران معاصر*، ترجمه حمیدرضا نیکوکار، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۱۲. زلفی، علی (۱۳۹۸)، *کلیات و مجازات‌ها، تقریرات درس حقوق جزای عمومی*، دانشگاه پیام نور مرکز الیگودرز (لرستان).
۱۳. جوان جعفری، عبدالرضا؛ نوروزی، محمد (۱۳۹۹) *رسانه‌ای‌کردن هویت متهم در فرایند تحقیقات مقدماتی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها*، مجله حقوقی دادگستری

۱۴. کاظمی، سید سجاد؛ چگینی، حامد (۱۴۰۱) «تشهیر «متهم»؛ از اصل ممنوعیت تا موارد اباحه قانونی، دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری
۱۵. راسته، مرتضی (۱۴۰۱) سازوکار تنظیم و تعدیل محرمانه بودن تحقیقات مقدماتی، نشریه تمدن حقوقی
۱۶. فرجی‌ها، محمد، (۱۳۸۵)، بازتاب رسانه‌ای جرم، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲.
۱۷. نوری‌نژاد، امیر و کریمی، سارا (۱۴۰۰). «کارآیی مجازات‌های سایبری در ایران: مطالعه موردی جرائم رسانه‌ای»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال نهم، شماره ۳۲، صص ۱۱۵-۱۳۸.
۱۸. بی‌نام، (۱۳۸۷)، انقلاب ارتباطات در آستانه قرن ۲۱، تهران: انتشارات صداوسیما.
۱۹. رضایی، محمدجواد (۱۴۰۱). حریم خصوصی در فضای مجازی: مطالعه تطبیقی، تهران: نشر میزان.
۲۰. عباسی، بهروز و رستمی، وحید (۱۴۰۱). «مسئولیت کیفری کاربران شبکه‌های اجتماعی در افشای اطلاعات محرمانه»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۹۵، صص ۸۵-۱۱۲.
۲۱. محمدی، علی‌اصغر؛ کریمی، فاطمه و احمدی، رضا (۱۴۰۲). «دادگاه‌های موازی در فضای مجازی»، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، دوره ۱۳، شماره ۱، صص ۳۵-۶۰.
۲۲. کاظمی، سیدمحمد و دیگران (۱۴۰۱). سیاست جنایی ایران در قبال جرائم رسانه‌ای، تهران: نشر دادگستر.
۲۳. طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۵۷۷.

24. Greer, C., & Reiner, R. (2012). **Mediated Mayhem: Media, Crime and Criminal Justice**.
25. Reiner, R. (2008). **Media made criminality: The representation of crime in the mass**
26. pratt,j.(2008) «**penal populism and the contemporary role of punishment**», in anthony, t., and cunneen, c. (eds.), the critical criminology companion, australia, Hawkins press.

Analyzing the Effects of Media Coverage on Criminal Cases and Government Accountability

Ali Imani¹, Ali Arman², Ali Zalaghi³

Abstract

Background and Objective: Mass media, as the primary custodians of public information and awareness, are obligated to fulfill their mission without interfering with criminal justice processes while adhering to regulations governing their scope of authority and limitations. However, it is occasionally observed that media outlets, by violating regulations and exceeding the boundaries of their duties, create conditions that disrupt criminal proceedings. This article aims to comprehensively examine the effects of media coverage on criminal cases and analyze the resulting legal conflicts, particularly within the context of informal digital media platforms.

Method: This research employs a descriptive-analytical approach utilizing library-based methodology to examine legal documents, statutory provisions, judicial decisions, and scholarly articles related to criminal law and media. Data analysis was conducted by comparing existing regulations with contemporary media realities, particularly social networks and digital platforms.

Findings: The results indicate that mass media function as a double-edged sword, exhibiting both positive and negative effects. Among the positive aspects are public proceedings in media, prevention of procedural delays, and reduction of external influences on judicial processes. Conversely, disclosure of suspects' identities, erosion of defendants' rights and the presumption of innocence, undermining of fair trial principles, diminution of judicial discretion, and rushed proceedings were identified as negative consequences of media coverage of criminal cases. A significant finding reveals that the primary challenge facing courts today stems not from official media outlets but rather from social networks and informal digital media platforms that circumvent the legal restrictions stipulated in existing legislation. These platforms, characterized by their decentralized nature, rapid dissemination capacity, and resistance to effective control, have

1. Department of Criminal Law and Criminology, Borujerd Branch, Islamic Azad University, Borujerd, Iran, Email: Aliimani.0522@gmail.com

2. Assistant Professor, Islamic Azad University, Borujerd Branch, Borujerd, Iran, (Corresponding Author), Email: sahel.ali84@yahoo.com

3. Head of Law Department, University of Applied Sciences, Shishe Lorestan, Iran, Email: Dr.alizalaghi.1986@gmail.com